

دیدار رهبر با کارگران! مقامات عالی‌رتبه جان کارگران را گرفته اند؟ احمد هدایتی

اکثر مقامات عالی رتبه نظام مدعی اند که با حل معضل قراردادهای موقت موافق هستند، اما همچنان دغدغه بزرگ جامعه کارگری، قراردادهای موقت کار است. این را علیرضا محبوب در برابر کارگران شهرک گلریز در مسجد ابوالفضل منطقه ۱۹ می گوید. رهبر نیز در دیدار خود با عده ای دستچین شده که بعنوان کارگر به حضور ایشان برده شده بودند، خطاب به وزیر کار ضد کارگر دولت احمدی نژاد توصیه کرد این معضل حل شود.

با نظر علیرضا محبوب مبنی بر اتفاق نظر اکثر مقامات عالی رتبه نظام با حل معضل قراردادهای موقت نمی توان موافق بود، زیرا واقعیت غیر از آن است که او می گوید. مطالعه تاریخ ۲۵ ساله جمهوری اسلامی بطور شفاف و بدون لاپوشانی نشان می دهد که همیشه حقوق کارگران عمدتاً بوسیله مقامات عالی رتبه پایمال شده است و در موارد زیاد مقامات عالی رتبه، چه بصورت شخصی و چه بصورت سازمانی و حزبی و جمعیتی و گروهی و ... در مقابل حقوق حداقل کارگران ایستاده اند. قبل از هرچیز لازم است گفته شود که بیشتر مقاماتی که اکنون در جمهوری اسلامی جزء مقامات عالی رتبه هستند در طی ۲۵ سال از عمر جمهوری اسلامی نیز یا در مقامات درجه اول یا دوم بوده اند. از جمله رهبر که ۸ سال رئیس جمهور بود و از زمانی که رهبر شد نیز اعضای کابینه با نظر او تعیین می شدند و در دولت احمدی نژاد نیز این انتصابات بسیار بیشتر از گذشته با نظر وی صورت گرفته است. از جمله وزیر کار دولت احمدی نژاد "علینقی جهرمی" که به وزیر ضد کارگر شهرت یافته است. من سعی می کنم تا آنجا که فرصت می شود به ترتیب تاریخ اقدامات و کرامات مقامات عالی نظام را در این مورد مرور کنم.

۱- تصویب قانون کار

دو کتاب با ارزش «قراردادهای موقت کار در ایران» و «قانون کار و کارگران» تاریخچه مبارزات کارگران در جهت تصویب قانون کار و نیز توطئه های رنگ و وارنگ دشمنان کارگران برای اخته کردن همین قانون کار، حداقلی را نشان می دهد.

«گمان می رفت که با اجرای قانون کار که در پایان سال ۱۳۶۹ بعد از یک دهه کشمکش به تصویب رسید، مشکلات کارگران حل و فصل گردد، اما گویا مصائب کارگری پایانی ندارد و فقط هر روز حلقه و چرخه جدیدی از این مشکلات آغاز می گردد. رواج قراردادهای موقت کار برای کارهای دائم و از آن بدتر پیدایش شمار روز افزونی از شرکت هایی که کار آنها خرید و فروش نیروی انسانی است این باور را تقویت می کند که در عرصه قرارداد کار پیشرفت جای خود را به پسرفت داده است»^۱

سؤال: چه نیروهایی، چه حزبی، چه جمعیت هایی، چه شوراهایی، چه افرادی باعث بیش از یک دهه کشمکش جهت تصویب قانون کار حداقل شدند؟ آیا همان هایی که شما (محبوب) بعنوان مقامات عالی رتبه در حال حاضر از آنها دم می زنید که موافق حل معضل قراردادهای موقت کار هستند نیستند؟ آقای محبوب چرا سر هم را کلاه بگذاریم؟ چرا به کارگران و به مردم اصل جریان را نگوئیم؟ بنظر می رسد مقامات عالی رتبه ای که شما از آنها دم می زنید امامزاده هایی هستند که همیشه کور کرده اند و قراری نبوده که شفا بدهند.

۲- مجلس پنجم و کارگران:

چنانچه خود شما در کتاب «قانون کار و کارگر» جابجا گفته اید درست از فردای تصویب قانون کار توطئه های گوناگون جهت اخته کردن و بی خاصیت کردن قانون کار حداقل چیده شد.

تاریخچه طرح معافیت کارگاه های دارای کارگران زیر سه نفر که بعد تبدیل به کارگاه های زیر ۵ نفر و سپس در یک اقدام گزانبیری جناح راست تبدیل به کارگاه های زیر ۱۰ نفر گردید، خود بهترین دلیل بر اشتباه بودن صحبت های شما در روزنامه کار و کارگر می باشد. بهتر است فهرست اسامی مجلس پنجمی ها را در آوریم تا معلوم شود مقامات عالی نظام بر خلاف ادعای شما خواهان حل معضل قرارداد موقت کار نیستند. مگر رئیس مجلس پنجم که قانون کارگاه های زیر ۱۰ نفر را تصویب کرد آقای ناطق نوری نبوده (که الان نمی دانم در کجا مشغول است) است. مگر آقای باهنر که الان نایب رئیس مجلس هفتم است در مجلس پنجم نبوده، مگر آقای ناطق نوری و آقای مهندس باهنر جزء همان مقامات عالی رتبه مورد اشاره شما نیستند؟ آیا از نیروی طیف راست بازار و سرمایه داران سنتی که آقای قمی نماینده ورامین از آن صحبت به میان می آورد جزء مقامات عالی رتبه نیستند؟ (صفحه ۱۰۳ کتاب قانون کار و کارگران)، مگر آقای خاموشی ریاست اتاق بازرگانی و هم خطی هایش جزء مقامات عالی رتبه نیستند. مجلس پنجم بزرگترین ضربه را به قانون کار زد (دربابییگی کار و کارگر ۸۳/۵/۲۴)

۳- شورای نگهبان :

مگر شورای نگهبان جزء مقامات عالی رتبه منظور نظر شما نیست؟ همین شورای نگهبان در زمان میرحسین موسوی مصوبه مجلس (منظور قانون کار-ن) را چون به سود کارگران بود خلاف شرع دانست و به مجلس بازگرداند، مجلس بار دیگر مصوبه خویش را به شورای نگهبان فرستاد و شورای نگهبان نیز بار دیگر مصوبه مجلس را رد کرد. این دور تسلسل باعث شد نهاد جدیدی با عنوان مجمع تشخیص مصلحت نظام شود تا مصوباتی را که شورای نگهبان خلاف شرع تشخیص می دهد، اما مصلحت نظام در تصویب آن قانون است، بررسی نماید. قانون کار اولین قانونی بود که به این شکل به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید.

آن دوران گذشت و تیغ آیت الله خمینی نیز از زیر گلوی شورای نگهبان برداشته شد. بعدها، همین شورای نگهبان طرح «معافیت کارگاه های زیر ۳ نفر، زیر ۵ نفر، زیر ۱۰ نفر» را که از مجلس پنجم برایش فرستاده شد تصویب کرد. شورای نگهبان و اداره کنندگان آن مقامات عالی نظام نیستند؟

۴- مجلس ششم و اصلاح طلبان :

با آنچه که من می دانم مردم ایران در ۲ خرداد ۷۶، در انتخابات مجلس ششم، در شورای اسلامی روستاها و شهرها به اصلاح طلبان از جمله به آقای محمد خاتمی رأی دادند که شاید بتوانند مشکلات فقر، بیکاری، غارت و اشتغال را سروسامان بدهند و مسلماً کارگران نیز بهمین منظور به اصلاح طلبان رأی دادند.

آیا مجلس ششم، گامی در جهت بهبود وضع اقتصادی کارگران برداشت؟ آیا مجلس ششم تصمیم گرفت طرح معافیت «کارگاه های زیر ۳ نفر، زیر ۵ نفر، زیر ۱۰ نفر» را ملغی کند که از این بابت بتواند خدمتی به کارگران بکند؟ آیا طرح عده ای از نمایندگان مجلس ششم در مورد قراردادهای موقت را به تصویب رساند؟ یا اولویت نخست این مجلس باید لغو قانون مطبوعات مصوبه مجلس پنجم می بود و یا لغو قانون کارگاه های زیر ۱۰ نفر مصوبه مجلس پنجم؟ (البته معلوم نبود که از زیر تیغ شورای نگهبان در برود).

مگر آقای حسینی وزیر کار سابق (وزیر امور اقتصادی کنونی) جزء مقامات عالی رتبه منظور شما نیستند؟

یکی، حرف خوبی می زد. می گفت این آقای حسینی وزیر کار نبوده، چون حضور اقتصادی اش در دولت احمدی نژاد نشان داد که وزیر سرمایه بوده است. آقای حسینی هم اکنون که بقول شما از مسئولین عالی رتبه جمهوری اسلامی ایران است بیشتر کارگزار صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی (WTO) است یا کارگزار کارگران؟

۵- دیوان عدالت اداری :

در سال ۱۳۷۳ بنا به شکایت تعدادی از کارفرمایان دیوان عدالت اداری قراردادهای موقت را جزیی از قانون کار اعلام کرد. (قراردادهای موقت کار در ایران صفحه ۷۱) با شکایت سازمان تأمین اجتماعی در دیوان عدالت اداری از این به بعد کارگران قراردادی نمی توانند از بیمه بیکاری استفاده کنند. (سال ۸۳)

همانطوریکه خودتان گفته اید دیوان عدالت اداری آخرین ضربه را به قانون کار با تصویب قانونی بودن قراردادهای موقت و سپس خارج کردن کارگران قراردادی (موقت) از شمول بیمه بیکاری زده است.

خدمت از این بزرگتر برای کارگران ایران دیگر ممکن نیست!

سؤال: آیا مسئولین قوه قضائیه از جمله قضات دیوان عدالت اداری جزء مسئولین عالی رتبه مورد نظر شما و رهبر نمی باشند؟ لابد قرار است کار دسته اش را ببرد! والا چطور قانونی بودن قراردادهای موقت را تصویب می کند و حالا قرار است عکس آن عمل کند؟

۶- سازمان تأمین اجتماعی :

گرچه سازمان تأمین اجتماعی سازمانی است کارگری و سرمایه آن از بابت پرداخت بیمه کارگران و نیروی کار تأمین می شود. در زمان حکومت محمدرضا پهلوی سازمانی بوده که غارتگران شاهنشاهی جهت غارتشان از آن سود می بردند و این وضع در زمان جمهوری اسلامی ایران تا حدودی ادامه پیدا کرد، بطوریکه هم اکنون میلیاردها تومان دولت و سازمان های دولتی و غیردولتی به آن بدهکار هستند و در حقیقت قسمتی از بودجه دولت بوسیله این سازمان تأمین می شود. هیچ مقام عالی رتبه ای نیز موافقت نمی کند که دولت بدهکاری خود را به سازمان تأمین اجتماعی بپردازد تا این سازمان بتواند آنرا در جهت بهداشت و کار سهام داران بکار ببرد.

جالب است که سازمان تأمین اجتماعی که خود طفیلی نیروی کار کشور است، بر علیه نیروی کار به دیوان عدالت اداری شکایت می کند، مبنی بر اینکه نباید به کارگران قراردادی موقت بیمه بیکاری پرداخت شود و در اینجا دیگر مثال «کار دسته اش را نمی برد» مصداق پیدا نمی کند.

در مورد سازمان تأمین اجتماعی و دلخوری که خانه کارگر و کارگران از آن دارند می توان صفحات زیادی نوشت و بهتر از همه خود شما در این مورد می دانی. حتماً یکی از مسئولین عالی رتبه منظور نظر شما مسئولین تأمین اجتماعی است که بیشتر دشمن هستند تا دوست.

۷- قوه قضائیه :

در مورد مسئولین قوه قضائیه به جزء آقای دکتر بهشتی، آنچه می توان گفت چیزی از کرامات آنها در طی بیش از دو دهه در جمهوری اسلامی دیده نشده است. دیده نشده گوشه چشمی به کارگران داشته باشند. شاید در آینده معجزه ای در این مورد رخ بدهد. انشاءاله. البته در مورد دیوان عدالت اداری قبلاً توضیحی داده شده است (بند ۵).

۸- مجلس هفتم :

آقای محبوب چنانچه خودش نیز می داند، ترکیب مجلس هفتم همان ترکیب مجلس پنجم است. در مورد مجلس هفتم حداقل می توان گفت حداکثر کاری که مجلس هفتم می تواند انجام بدهد همان کارهای مجلس پنجم است و از همه مهمتر اینکه چنانچه مجلس هفتم خواسته باشد در

مورد قراردادهای موقت کاری کند - که من بعید می دانم-، تازه اول کار است. شورای محترم نگهبان که نقشش عوض نشده است!

جالب تر اینکه آقای احمد توکلی از نمایندگان بانفوذ مجلس هفتم می باشد. ایشان سابقه ۲۸ساله در مبارزه با طبقه کارگر ایران دارد و نظریاتش در رابطه با مفهوم کارگرو قانون کار اظهر من الشمس است.

در هر صورت از مجلس هفتم چیزی در رابطه با حقوق مستضعفان و کارگران تاکنون دیده نشده است و بنظر نمی رسد آبی از آنها گرم شود.

۹- رهبر و مقام معظم رهبری و حکم حکومتی

حالا می رسیم به عالی ترین مقام عالی در جمهوری اسلامی. رهبر! که ظاهرا اشاره شما به ایشان نیز بعنوان دلسوز کارگران است!

در همان جلسه ای که شما و وزیر کار با آقای خامنه ای داشتید، چرا به یاد ایشان نیآوردید که بیشتر مسئولین عالی رتبه و برگمار شدگان ایشان نه درکنار کارگران، بلکه در برابر آنها هستند؟

چرا ایشان از آن اختیارات حکومتی خود استفاده نمی کند و امر حکومتی نمی دهد تا وزیر کار سرجایش نشسته و شبانه روز در حال توطئه علیه قانون کار نباشد و یا چرا امر به لغو مصوبه مجلس پنجم درباره کارگاه های زیر ۱۰ نفر نمی دهد؟

ایشان که خود می گوید در جریان سیر تا پیاز مسائل حکومتی است، از آمار بیکار شدگان، جدول بیکاری درکشور، جداول اشتغال، جداول اخراج ها، جداول ظلم و ستم های ناشی از قراردادهای موقت، جداول گرانی، جداول فساد و اختلاس، جداول روند تولیدی در هر استان، جدال نابودی تولید در هر استان که منجر به اخراج و بیکاری کارگران شده، اطلاع ندارد؟ از آمار واردات رسمی و قاچاق که سر به ۳۰ تا ۴۰ میلیارد دلار می زند و تولید مملکت را نابود کرد بی اطلاع است؟ از دستاوردهای غارتگرانه خصوصی سازی و تعدیل اقتصادی بی اطلاع است که حالا فرمان ابطال بند ۴۴ قانون اساسی را می دهد و آتش زیر دیگ این بحران می گذارد؟

خدمت ایشان می رسانید در یک جلسه محرمانه مسایل فوق را.